

افغانستان کشوری است که هم منبع قاچاق مردان، زنان، و اطفال معروض به کار اجباری و تن فروشی بوده و هم مسیر و مقصد این گونه قاچاق می‌باشد. قاچاق داخلی، نسبت به قاچاق فراسرحدی در آن بیشتر رایج است. بسیاری از قربانیان قاچاق در افغانستان، کودکانی‌اند که سرحد شان به قالیبافی، خشمالی، بردگی خانگی، استثمار جنسی، گدایی گری، زرع کوکنار، قاچاق فراسرحدی مواد مخدر، و یا هم کلینری موترهای لاری در داخل افغانستان، شرق میانه، اروپا، و آسیای جنوبی می‌کشد. موسسات غیردولتی («انجیو»ها)، قضایای بیگاری یا اسارت در ازای قرض را مستند ساختند. در این گونه بیگاری، رسم و رواج‌ها، خانواده‌ها را اجازه می‌دهد که برای پرداخت قروض‌شان و یا هم رفع خصومت‌ها، مردان، زنان، و کودکان را وادار سازند تا به طور مجانی کار کنند و این کار کردن مجانی، بعضاً چندین نسل ادامه پیدا میکند و اطفال برای پرداخت قرضه‌های والدین‌شان، به کار اجباری تن می‌دهند. بعضی خانواده‌های افغان، دانسته اطفال شان را برای قاچاق جنسی، به شمول بچه‌بازی، می‌فروشدند - که در آن مردان، منجمله بعضی مقامات دولتی و نیروهای امنیتی، پسران خوردسال را برای خوشگذرانی اجتماعی و جنسی خویش به کار می‌برند. گزارش‌هایی وجود دارند که بعضی از مقامات امنیتی، سارنوالان، و قاضیان از مرتکبین فعل بچه بازی رشوه می‌گیرند یا بر اساس شناخت و قرابت، آنها را از سزا دیدن، نجات می‌دهند. بعضی خانواده‌ها اطفال شان را می‌فرستند تا از طریق دلالان، برای خود کار پیدا کنند، اما اطفال‌شان در کار اجباری گیر می‌افتند. خانواده‌هایی که کوکنار کشت می‌کنند، بعضی اوقات برای ادای قرضی که از قاچاقبران تریاک گرفته‌اند، اطفال خود را می‌فروشدند. دولت و سازمان ملل متحد می‌گویند که گروه‌های شورشی، با جبر اطفال را استخدام کرده و از آنها در حملات انتحاری کار می‌گیرند. پسران، به خصوص آنهایی که به تنهایی به سفر می‌پردازند، به شکل ویژه آسیب پذیر اند که قربانی قاچاق شوند. اطفال در یتیم خانه‌ها نیز به گونه خاص آسیب پذیر بوده و بعضی اوقات مورد قاچاق قرار می‌گیرند. بعضی اوقات، خانواده‌های افغان در شرق افغانستان، در بدل قرضه کاملاً در اسارت گیر می‌افتند و در تولید خشت، به بیگاری کشیده میشوند. افراد گروه اقلیت شیعه هزاره نیز قربانی استخدام جبری و کار جبری شدند.

مردان، زنان، و اطفال در افغانستان اکثراً به یا دلالان پول می‌پردازند تا آنها را در یافتن کار کمک کنند، به خصوص در ایران، پاکستان، هند، اروپا، و یا امریکای شمالی؛ بعضی از این دلالان، افغانها را به کار اجباری و یا تن‌فروشی وادار می‌سازند. زنان و دختران افغان معروض به قاچاق جنسی و بردگی خانگی، به ویژه در پاکستان، ایران، و هند اند. اکثریت قربانیان افغان در پاکستان، زنها و دخترانی‌اند که به منظور استثمار جنسی، منجمله از طریق ازدواج‌های اجباری، قربانی قاچاق میشوند. پسران و مردان افغان معروض به کار اجباری و در بدل قرضه‌ها، برای کار در بخش‌های زراعت و ساختمانی، به خصوص در ایران، پاکستان، یونان، ترکیه، و کشور های خلیج به اسارت کشانیده میشوند. بعضی پسران افغان پس از پرداخت پول گزافی که در بدل رسیدن به یونان از راه قاچاق می‌پردازند، در آنجا هدف قاچاق جنسی قرار

میگیرند. در ماه جنوری سال 2016، یک سازمان بین‌المللی گزارش داد که دولت ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آن، مردان مهاجر و پناهندگان راجستر شده افغان را با تهدید این که آنها را توقیف و دوباره به افغانستان خواهند فرستاد، وادار می‌ساختند تا در چارچوب ملیشه‌های تحت فرماندهی و سازماندهی سپاه پاسداران در سوریه بجنگند. بعضی از این افرادی که وادار به خدمت نظامی شدند، پسرانی خورده‌سال‌تر از هجده ساله بودند، و سن بعضی آنان به دوازده سال میرسید و به حیث جنگجو از آنان استفاده صورت میگرفت. پسران افغان در ایران، با خطر بلند سوءاستفاده جنسی از سوی کارفرمایان شان و آزار و اذیت، یا تهدید از سوی نیروهای امنیتی ایران و سایر مقامات دولتی مواجه‌اند.

گزارش‌هایی هم داده شد که زنان و دختران از فلپین، پاکستان، ایران، تاجکستان، سریلانکا، و چین در افغانستان هدف قاچاق جنسی قرار میگرفتند. بعضی از استخدام‌کنندگان نهادها، با تظاهر و یا بهانه قرار دادن فرصت‌های کاری با درآمد بلند، کارمندان خارجی را، از کشور های مثل سریلانکا، نیپال، هند، ایران، پاکستان، و تاجکستان، برای آمدن به افغانستان اغوا میکردند؛ استخدام‌کنندگان سپس این مهاجرین را، با رسیدن شان به افغانستان، به کار اجباری می‌گماشتند.

در سال 2015، گزارش‌های وسیع و معتبر از چندین منبع حاکی بود که هم دولت و هم گروه‌های غیردولتی در افغانستان، به استخدام و استفاده اطفال به مقاصد جنگی و غیرمحرابوی، ادامه دادند. ملل متحد ثقه بودن این موضوع را تصدیق کرد و گزارش داد اطفالی که در افغانستان استخدام و مورد استفاده قرار میگیرند، عمدتاً از سوی طالبان و سایر گروه‌های مسلح غیردولتی، تعداد شان افزوده شده است. در جنوری سال 2011، حکومت افغانستان یک پلان عمل را با ملل متحد امضا کرد تا روند استخدام و به کارگیری اطفال را در صفوف نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان خاتمه بخشیده و از آن جلوگیری کند، و در سال 2014، آنان یک نقشه راه را حمایت کردند تا تطبیق آن پلان عمل را تسریع بخشند. با وجود این تلاش‌ها، هنوز هم مواردی از استخدام اطفال ذریعه نیروهای حکومتی دیده شده، که بیشتر آنها در نیروهای پولیس محلی و پولیس ملی انجام یافته است. در یک قضیه‌ای که اشتهار یافت، یک پسر 10 ساله در عملیات علیه طالبان، با نیروهای پولیس محلی پیوست؛ مقامات محلی علناً از آن طفل تقدیر به عمل آوردند اما طالبان بعداً او را به قتل رسانیدند. رسانه‌ها گزارش دادند که در برخی موارد، واحد های قوای امنیتی از اطفال به مثابه پیشخدمتان، یا دستیاران، و یا هم برای مقاصد جنسی کار میگرفتند. سوءاستفاده و استثمار جنسی اطفال به مثابه یک مسئله عمده قابل نگرانی، ادامه دارد، زیرا افراد نیروهای امنیتی افغان و سایر گروه های غیردولتی، هر از گاه، از دختران و پسران بهره جنسی میبرند.

طالبان از سال‌های 1990 بدینسو، از اطفال به مثابه سربازان و منسوبین کمک‌کننده در جنگ کار گرفته اند، اما در سال 2015، همزمان با تشدید عملیات طالبان علیه دولت افغانستان، این گروه استفاده از اطفال را نیز افزایش دادند. طالبان برای تحت تأثیر قرار دادن و استخدام افراد، یک پروسه تمام عیار دارند که در آن از تعلیمات دینی و تعلیمات نظامی کار گرفته و اطفال بین سنین 6 و 13 ساله را می‌آموزند که چگونه از سلاح کوچک استفاده کنند و چطور بم‌های خانگی را تولید و تعبیه کنند. اطفال وابسته به مناطق فقیر و روستایی، به خصوص مناطق تحت کنترل طالبان، به طور ویژه در برابر جلب و جذب طالبان

آسیب پذیراند. این اطفال، غذا و لباس به دست می‌آورند و به بعضی خانواده‌ها، پول نقد پرداخته میشود و یا هم مسئولیت برای‌شان وعده داده میشود، البته در بدل این که اطفال‌شان را به این گونه مدارس بفرستند.

حکومت افغانستان در راستای محو کردن قاچاق، حد اقل معیارات را نیز به طور کل، تکمیل نکرده است؛ با آنهم، تلاش‌های بی‌شایبه به خرج میدهد تا این معیارات را برآورده سازد. دولت در سال 2015، در ارتباط با قضایای قاچاق، میزان محکومیت‌ها را دوبرابر ساخت و شمار قضایای مورد تعقیب را نیز افزایش بخشید. با وجود این تدابیر، حکومت در مقایسه با مدت زمان گزارش شده قبلی، در تلاش‌های ضد قاچاق تشدید یا افزایش به نمایش نگذاشت؛ از همین سبب، افغانستان در فهرست مورد نظارت در رده 2 قرار گرفته است. تلاش‌های مصئون نگهداشتن قربانیان، همچنان ناکافی باقیماند. دولت طبق معمول، قربانیان قاچاق را به منزله مرتکبان جرایم اخلاقی، توقیف میکرد، تحت تعقیب عدلی قرار میداد و محکوم میکرد. دست داشتن مقامات رسمی در جرایم نیز به مثابه یک مشکل جدی باقی بود، به خصوص در مورد استثمار جنسی اطفال از سوی منسوبین اردو و پولیس، با وجود بیانات عامه رئیس جمهور و وزارت داخله که در آن، این عمل تقبیح شده؛ و استخدام و کاربرد اطفال از سوی نیروهای امنیتی یک نگرانی خوانده شده بود. با اینهم، حکومت هیچ گزارشی از تحقیقات، تعقیب عدلی، یا محکوم شدن مقامات دست داشته در چنین اعمال را گزارش نداد. قانون موجوده ضد قاچاق، تمام انواع و اشکال قاچاق انسانی را منع نمیسازد، اما دولت آغاز به تجدید نظر در این قانون کرده، که هدف آن عیار ساختن تعاریف قاچاق (انتقال) و قاچاق (بهره برداری) در همسانی با قانون بین‌المللی می‌باشد. مأمورین تنفیذ قانون و مقامات قضایی، کما فی‌السابق، درک و دانایی اندکی در باره قاچاق انسانی دارند و حکومت برای شناسایی قربانیان و راجع ساختن آنها به خدمات ایمنی، طرز‌العمل‌های سیستماتیک را رشد نداد و روی دست نگرفت. سرپناه‌های حکومتی برای قربانیان قاچاق، در جریان مدتی که گزارش تهیه میگردید، همچنان مسدود باقی مانده بود، گرچه مقامات حکومتی، قربانیان قاچاق را بر اساس شیوه‌های غیررسمی، به سرپناه‌های تحت اداره موسسات غیردولتی یا انجیو‌ها، راجع می‌ساختند.

سفارش‌ها برای افغانستان:

استخدام و کاربرد اطفال از سوی نیروهای امنیتی افغان را توقف دهید، و برای اطفالی که از صفوف نیروها کشیده میشوند، مسئولیت کافی و حمایت اینگونه اطفال را در راستای ادغام مجدد در جامعه فراهم سازید؛ به افزایش دادن تحقیقات، تعقیب عدلی، و محکوم ساختن‌ها تحت قانون ضد قاچاق، ادامه دهید اما در عین حال شفافیت پروسه قضایی را احترام بگذارید؛ مقامات حکومتی مأمورین تنفیذ قانون، و اعضای اردو را که مظنون به دست داشتن در قاچاق باشند، مورد تحقیق و تعقیب عدلی قرار دهید و مجرمین را سزای مناسب بدهید؛ جزا دادن به قربانیان به خاطر جرایمی که در نتیجه مستقیم هدف قرار گرفتن قاچاق انجام داده‌اند، را توقف دهید، تعقیب عدلی اطفال قربانی قاچاق را به اتهام جرایم اخلاقی و قرار دادن آنان

در مراکز اصلاح اطفال را توقیف دهید؛ تعدیلات تسوید شده کنونی در قانون ضد قاچاق سال 2008 را به منظور جلوگیری و جزای تمام اشکال قاچاق انسانی، نهایی ساخته و تصویب نمائید؛ ظرفیت‌های واحدها یا بخش‌های ضد قاچاق وزارت داخله را تقویت بخشید، به شمول افزایش بیشتر در تعداد کارمندان مربوطه در هر منطقه و اطمینان حاصل کردن از توانایی‌شان در تفکیک میان قاچاق انتقالاتی و قاچاق بهره‌گیری؛ بلند بردن ظرفیت کمیسیون عالی مبارزه با جرایم اختطاف و قاچاق انسانی را در حصه هماهنگی و گزارشدهی راجع به تلاش‌های حکومت در مبارزه با قاچاق ادامه داده، و تطبیق پلان عمل ملی ضد قاچاق را تحت نظارت داشته باشید؛ تا جایی که وضع امنیتی اجازه دهد و دسترسی به مناطق روستایی ممکن باشد، مأمورین را در سطوح ملی، ولایتی، و محلی در مورد تعریف قاچاق انسان، و همچنان در مورد ستراتیژی‌های تشخیص دهی، حفاظت، و تنفیذ قانون آموزش دهید؛ تلاش‌ها برای جمع‌آوری، تحلیل، و گزارشدهی دقیق اطلاعات وابسته به مبارزه با قاچاق را بهبود بخشید؛ برای پسران، به منظور رسیدگی به نیازهای خاص آنان، برنامه‌های طولانی مدت و مناسب از لحاظ فرهنگی در جهت احیای مجددشان را به اجرا بگذارید؛ مأمورین حکومتی و مردم عام را از ماهیت جنایی بچه‌بازی و کار اجباری بر اطفال در بدل قرض، آگاه سازید؛ و به گونه‌ی وقایوی، مأمورین حکومت به خصوص در وزارت امور داخله و وزارت دفاع را از قانون منع جلب و جذب خوردهسالان آگاه سازید، و این قوانین را ذریعه تعقیب عدلی، تنفیذ نمائید.

تعقیب عدلی

حکومت در جهت انفاذ و تطبیق قانون تلاش‌هایی به خرج داد؛ شمار تعقیب‌های عدلی و محکومیت‌های قاچاقبران دوبرابر شد، ولی این‌ها شاید در برگیرنده قضایای غیروابسته به قاچاق باشند، و دست داشتن مقامات در قضایا به مثابه یک مشکل جدی و پایدار باقی ماند. قانون مبارزه با اختطاف و قاچاق انسانی که در سال 2008 تصویب شد، توأم با ماده 516 قانون جزا، بسیاری از اشکال و انواع قاچاق انسانی را منع میکند، اما تمام انواع آن را منع نمیکند. قانون تنها وقتی یک عمل را قاچاق جنسی طفل محسوب میکند که در آن از قوت و اجبار کار گرفته شود. قانون برای اشخاصی که به بعضی از انواع استثمار یا قاچاق کار محکوم شوند، سزای حبس بین هشت تا پانزده سال را مشخص میکند و برای آنانی که در برخی انواع قاچاق یا بهره‌گیری جنسی محکوم میشوند، سزای تا حبس عمری تعیین کرده است. قانون منع خشونت علیه زنان که در سال 2009 وضع شد، و ماده‌های قانون جزا، برای بسیاری از انواع قاچاق، سزاهایی را مشخص ساخته است. این سزاهای به گونه‌ی کافی با سزاهای تعیین شده برای سایر جرایم سنگین از قبیل تجاوز جنسی، دقیق و متناسب می‌باشند. در مدت زمانی که از آن گزارش داده شده، حکومت یک مسوده تعدیل شده قانون ضد قاچاق سال 2008 را تکمیل ساخت، که منظور از آن همونوا ساختن بهتر تعاریف قاچاق (انتقال) و قاچاق (بهره‌گیری) با قوانین بین‌المللی و طرح قوانین حفاظت فزاینده برای قربانیان قاچاق بوده؛ و این مسوده در پایان زمان گزارندهی نیز، برای غور و تصویب آماده باقی مانده بود. مسوده تعدیل شده قانون ضد قاچاق، جوانب خاص استثماری بچه‌بازی را جرم قلمداد کرده، اما با اینهم

مشخصاً از این عمل یادی نکرده است. جدا از این، در چارچوب یک قانون دیگر، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان یک مسوده قانونی را ترتیب داده که در آن از بچه بازی به طور واضح یاد شده و این عمل جرم پنداشته شده است، و هدف این بود که وقتی تعدیلات گسترده در قانون جزا تکمیل میگردید، این مسوده نیز به تصویب رسیده و اجرایی گردد؛ اما وزارت عدلیه این مسوده را نپذیرفت، و انتظار می رود که این مواد، در تعدیلات قانون جزا مدغم گردد. حکومت در مدت زمان گزارشدهی قبلی، قانونی را منظور ساخت تا نهادهای امنیتی را از جلب و جذب خوردسالان منع سازد، و پالیسی‌های موجوده در هردو وزارت خانه‌های دفاع و داخله در زمینه جلوگیری از جلب و جذب خوردسالان در صفوف قوای مسلح حکومت را ذریعه آن تقویت بخشد؛ با اینهم، حکومت به گونه فعالانه مأمورین و مقامات را از چنین مقررات آگاه نساخت و در عوض، برای تشخیص دادن درخواست کنندگان کم سن، بر استخدام کنندگان در وزارت داخله و وزارت دفاع اتکاء صورت گرفت.

از ماه مارچ 2015 تا ماه فیروزی 2016، حکومت از پیگیری عدلی 70 قضیه قاجاق انسانی گزارش داد، که منتج به 46 محکومیت با تعیین جزا های حبس از سه ماه تا 15 سال همراه بود، یعنی دو برابر 23 محکومیتی که در سال 2014 گزارش داده شد؛ مگر با اینهم، مقامات معلومات جزئی و مشروح در مورد این قضایا را ارایه نکرد، که ممکن در برگیرنده جرایم غیرقاجاق نیز بوده باشد. در پایان مدت گزارشدهی، به تعداد 31 قضیه اضافی، از سوی ادارات دستگیر کننده و یا لوی سارنوالی تحت تحقیق باقی مانده بود. مقامات تنفیذ قانون و سیستم قضایی، مثل سابق، هنوز هم آگاهی محدودی در باره قاجاق داشتند. دری، زبانی که به طور گسترده در افغانستان به آن صحبت صورت میگیرد، برای قاجاق انسانی (از نوع بهره‌گیری) و قاجاق انسانی (از نوع انتقال) هردو عین واژه را دارد، و این تشابه، گجی یا ابهام را دوبرابر ساخته است. وزارت امور داخله یک اداره مرکزی ضد قاجاق داشت که دارای 17 کارمند بود و افزون بر آنها، در هر یک از 34 ولایت نیز دو مأمور آن توظیف بودند؛ با این وجود، آن افسران فقط وقف مبارزه با قاجاق نبودند، و مقامات یادآور شدند که توظیف دو افسر ضد قاجاق به هر ولایت، کافی نبود. موسسات بین‌المللی و موسسات غیردولتی یا انجیوها، به فراهم ساختن زمینه آموزش به پولیس، سارنوالان، و سایر مقامات حکومتی پانزده ولایت در بخش تحقیق و تعقیب عدلی دوسیه‌های قاجاق ادامه دادند؛ و در برخی از آن ولایات، دفاتر والیان برای این آموزشدهی اختصاص داده شدند.

دست داشتن مقامات در قاجاق، به مثابه یک مشکل جدی و گسترده باقی ماند. گفته میشد که بعضی از مقامات حکومتی و امنیتی، در عمل بچه بازی سهیم بوده‌اند. گزارش سال 2014 کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان آشکار ساخت که اکثریت کسانی که در بچه بازی دخیل اند، یا رشوه میپردازند، یا با مقامات تنفیذ قانون، سارنوالان، و قاضیان خویشاوندی و ارتباطی دارند که در اثر آن، از تعقیب عدلی معاف ساخته میشوند. همچنان گفته میشد که بعضی از مقامات تنفیذ قانون یا پولیس، قاجاق را تسهیل میبخشیدند و قربانیان قاجاق جنسی را خود مورد تجاوز قرار میدادند. نیروهای اردو و پولیس ملی، و همچنان ملیشه‌های طرفدار حکومت، به کارگیری اطفال در نقش‌های محاروبی و غیرمحاروبی را ادامه میدادند. حکومت هیچ گزارشی ارایه نکرد که گویا مقامات حکومتی دخیل در جرایم قاجاق انسانی مورد تحقیق،

تعقیب عدلی، یا محکومیت قرار گرفته باشند؛ مقامات گفتند که آنان هیچ نشانه‌ای از دست داشتن مأمورین حکومتی در قاچاق طی سال را نداشته‌اند.

حفاظت

تلاش‌های حکومت در راه حفاظت قربانیان مثل قبل، ناکافی بود و حکومت در حفاظت اطفال و جلوگیری از استثمار جنسی و استخدام و کارگیری آنان از سوی نیروهای مسلح و همچنان در جلوگیری از ادامه مجازات گسترده قربانیان، ناکام گردید. حکومت تعداد قربانیان مشخص شده را گزارش نداد، اما یک سازمان لملی گزارش داد که حکومت تقریباً 40 قربانی را در سال 2015 جهت کمک به آنان، به سازمان یاد شده راجع ساخته بود. حکومت برای مشخص ساختن قربانیان و در نهایت راجع ساختن آنان به خدمات محافظتی، طرزالعمل‌های سیستماتیک را توسعه نداد و روی دست نگرفت. حکومت، به ویژه مقامات «وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا، و معلولین»، و «وزارت امور زنان»، عملاً قربانیان را به خانه‌های امن یا سرپناه‌های مدیریت شده از سوی موسسات غیردولتی معرفی کردند. پولیس جهت تهیه خدمات ابتدایی (از قبیل آب و غذا) برای قربانیان در جریان تحقیقات، رهنمودها و بودجه رسمی در اختیار نداشتند. در برخی موارد، افسران پولیس برای تأمین ضروریات‌های اولیه قربانیان، از جیب/کیسه خود پول مصرف می‌کردند. تمام سرپناه‌های موقت، که قبلاً ملکیت دولت بودند، به دلیل نبود منابع مسدود باقی ماندند. وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین برای قربانیان قاچاق زمینه ثبت، راجع شدن، و دسترسی به خدمات اجتماعی از قبیل پذیرفتن قربانیانی که از سایر کشورها به افغانستان مسترد می‌شدند، مهیا می‌ساخت. انجیوها یا موسسات غیردولتی در 20 ولایت، خانه‌های امن زنان را اداره می‌کردند و خدمات محافظتی، قانونی، و اجتماعی را برای بانوان قربانی خشونت فراهم می‌ساختند که برای قربانیان قاچاق نیز قابل دسترس بود. بعضی اوقات حکومت اطفال آسیب دیده را در یتیم‌خانه‌ها جا میداد، گرچه بعضی اطفال در یتیم‌خانه‌ها نیز مورد قاچاق قرار می‌گرفتند. برای مردان آسیب دیده بالغ، کما فی السابق، پناهگاهی وجود نداشت.

با وجود هدایت کمیسیون عالی مبنی بر توقف تعقیب عدلی قربانیان قاچاق، باز هم این قربانیان از برای جرایمی که در نتیجه هدف قرار گرفتن قاچاق انسانی مرتکب شده بودند، کماکان مورد جزا قرار می‌گرفتند. مقامات بعضی اوقات با قربانیان یا آسیب دیدگان مرد و زن، فقط به خاطر این که فرد معیبتی نداشتند یا به خاطر ارتکاب جرایم اخلاقی، به مثابه مجرمین رفتار می‌کردند؛ مأمورین همچنان به توقیف، زندانی ساختن، یا به گونه دیگری به جزا دادن آسیب دیدگان مؤنث به خاطر ارتکاب فحاشی یا زنا، ادامه میدادند، البته بدون در نظر داشت این که آنان به جبر و اکراه به تن فروشی و ادار ساخته شده بودند، و یا هم به دلیل این که شوهران‌شان آنان را به فاحشگی وامی‌داشتند، از خانه فرار کرده بودند. مقامات بعضی اوقات که نمیتوانستند برای قربانیان مرد و زن سرپناهی تهیه کنند، آنان را به زندان می‌انداختند. انجیوها یا موسسات غیردولتی، از قراردادن اطفال آسیب دیده از قاچاق در مراکز اصلاح اطفال گزارش دادند که بعضی اوقات برای چند سال آنجا میماندند. پسرانی که قربانی قاچاق جنسی می‌شدند، به شمول آنهایی که مورد بچه‌بازی قرار می‌گرفتند، در بعضی موارد مبتنی بر اتهامات جنایی، به مراکز اصلاح اطفال راجع ساخته می‌شدند. اطفالی که با استفاده از اسناد ساختگی سعی می‌کردند شامل اردو شوند، نیز به مراکز اصلاح اطفال معرفی می‌شدند، که بعضی اوقات مدت آن نامعلوم می‌بود، و در انتظار طی مراحل دوسیه و محاکمه می‌بودند. حکومت برای برکناری

سربازان کودک از صفوف گروه‌های مسلح حکومتی یا غیرحکومتی، هیچ تلاشی انجام نداد و نه هم به چنین کودکان، خدمات محافظتی و حمایت ادغام مجدد در جامعه را فراهم نمود و نه به چنین خدمات آنان را راجع ساخت.

حکومت، قربانیان را تشویق نمود تا در تحقیقات سهم خویش را ادا کنند؛ با آنهم، حکومت حمایت، امنیت، یا خدمات محافظتی کافی را برای قربانیان مهیا نساخت تا بدون صدمات روحی، به طور مصئون در تحقیقات سهم گیرند. انجیوها یا موسسات غیردولتی گزارش دادند که آسیب دیدگان یا قربانیان قاچاق اطفال، بعضی اوقات مجبور ساخته میشدند که در پیش روی عاملان قاچاق شان گواهی دهند. قانون افغانستان به قربانیان خارجی اجازه میدهد که حد اقل برای مدت شش ماه، به گونه موقت در افغانستان باقی بمانند. کدام معلوماتی در دست نیست که حکومت کدام آسیب دیده خارجی را در سال 2015 از افغانستان اخراج کرده باشد.

جلوگیری

حکومت در راستای تلاش‌های جلوگیری از قاچاق، بهبود نسبی‌ای داشت. حکومت به هماهنگی فعالیت‌های ضد قاچاق خود از طریق کمیسیون عالی، که در طول سال 2015 چهار بار با اشتراک معینان وزارت‌خانه‌ها، و 12 بار به سطوح کاری تشکیل جلسه نمود، ادامه داد. کمیسیون عالی، گزارش مجوزہ سالانه اش را در مورد فعالیت‌های دولتی ضد قاچاق در ماه مارچ 2015 ترتیب داد؛ با آنهم، گزارش راجع به فعالیت‌ها در سال 2015، انتشار نیافت. پلان عمل ملی، در سال 2015 تازه نشد. وزارت‌های عضو کمیسیون عالی، در جهت تطبیق فعالیت‌هایی که در طرح پلان ملی ضد قاچاق برای‌شان معین شده بودند، بعضی گام‌های محدود را برداشتند، منجمله تأسیس 33 کمیسیون ولایتی ضد قاچاق، که 14 مرکز آن تا ختم مدت این گزارش‌دهی، فعال گردیده بودند. حکومت از راه‌های رادیو، تلویزیون، و رسانه‌های چاپی، شهروندان را در مورد خطرات مهاجرت‌های غیرقانونی هشدار داد، و دو نهاد کاریابی را که در عمل استخدام کاذب یا اغوا کردن مظنون شناخته میشدند، مورد تحقیق قرار داد. به طور مثال، وزارت اطلاعات و فرهنگ، 128 پیام را در مورد قاچاق از طریق تلویزیون ملی افغانستان برای مردم پخش کرد. در ماه سپتمبر سال 2015، رئیس جمهور دستور ایجاد یک کمیته را صادر کرد تا در زمینه جلوگیری و تعقیب عدلی قضایای سواستفاده جنسی اطفال از سوی نیروهای امنیتی، تحقیق، تفتیش و نظارت کند. مگر با این هم، کدام پیشرفت بیشتری در جهت برآورده ساختن اهداف پلان عملی که به منظور مبارزه با رسم بچه بازی نیروهای امنیتی توشیح شده بود، گزارش داده نشد. حکومت در راستای کاستن تقاضا برای اعمال جنسی تجارتي، یا کار اجباری، گام‌هایی برداشت. حکومت همچنان برای کارمندان دیپلوماتیک خود، دوره‌های آموزشی در رابطه مبارزه با قاچاق دایر نساخت.